

## بررسی علت‌ها و انگیزه‌های فتح اران (آلبانیای قفقاز) از زمان فتح آن سرزمین تا پایان دوره امویان (۲۲-۱۳۲ه.ق)

پریسا قربان‌نژاد<sup>۱</sup>

**چکیده:** ضرورت گسترش اسلام و استحکام بخشیدن به مرزهای شمالی به عنوان دو هدف مهم، موجب توجه مسلمانان به اران (آلبانیای قفقاز) و منجر به فتح آن شد. سپس حاکمیت عرب‌ها و به تبع آن دولت بنی‌امیه در آنجا آغاز گردید. آنان نه تنها قدرت و حاکمیت را در دست گرفتند، بلکه خود را حامل و ناقل دین رسمی نیز دانستند. بررسی نحوه عملکرد فاتحان اسلامی در اران، از فتح آن سرزمین تا پایان دوره امویان (۲۲-۱۳۲ه.ق) حاکی از تغییر رویکرد نسبت به علت‌ها و انگیزه فتوحات اولیه حاکمان مسلمان است. زیرا فاتحان در آغاز با هدف مقدس گسترش اسلام آنجا را فتح کردند و با رعایت اصل تسامح و تساهل در رفتار با حاکمان و اهالی بومی و اسکان تدریجی اعراب در مناطق گشوده شده و مبارزه با دشمن مشترک به تنظیم مناسبات سیاسی- اجتماعی و دینی دست زدند؛ اما به تدریج از دوره عثمان و با آغاز حاکمیت امویان، قدرت طلبی، زراندوزی، کسب غنیمت، ستیز با حاکمان و اهالی بومی، درگیری با امپراتوری روم، ایستادگی در برابر حمله خزران، فراز و نشیب‌هایی را در تاریخ آن رقم زد و فرصت تبلیغ و گسترش اسلام را از مسلمانان سلب نمود. هر چند در این میان برخی از حاکمان اسلامی برای نهادینه کردن آن اقدام‌هایی انجام دادند.

**واژه‌های کلیدی:** اران، آلبانیای قفقاز، اسلام، بنی‌امیه، خزران، امپراتوری روم

## **A Surrey on the Conquering Causes and Motives of Arran (Caucasus' Albania) from its Conquest to the End of Umayyad Era (22-132 A.H.)**

Parisa Ghurban- nezhad<sup>1</sup>

**Abstract:** The necessity of spreading Islam and strengthening the north borders were two important aims which caused conquering Arran by Muslims. Then at first the authority of Arabs and second Umayyads was started there. They had power and authority and considered themselves as an official carrier of religion. By evaluating the performance of Islamic conquerors in Arran from triumph up to the end of Umayyad's decade, shows the changing of approach to the causes and motivations of the first conquerings of Muslim rulers. This means that all conquerors gained the region by a holy aim at first and with compliance in tolerance of behavior with rulers and natives and struggled with common enemies set political and social relations; but from Othma's period and with beginning of Umayyad's rule started ambition, gold saving, booty earning, quarrel with rulers and natives, involvement with Roman Empire, standing against Khazars' invasions, handing of ups and downs in their history and deprived the chance of advertise and spread of Islam. Although some of Islamic rulers acted to institutionalize. The most important question in this essay is: what was the conquering cause and motivation of Arran and which priorities conquerors put in their political actions.

**Keywords:** Arran, Caucasus' Albania, Islam, Umayyads, Khazars, Roman Empire

---

1 Assitant Professor of History in Orumiye Azad University gorbannedjad@gmail.com

## مقدمه

معمولاً چگونگی فتح سرزمین‌ها در حکومت‌های اسلامی و انگیزه فاتحان در فتح مناطق مختلف یک امپراتوری یکسان نبوده، اما در بسیاری مناطق، فتوحات با حداقل خون‌ریزی، تسلیم و سازش، تعیین جزیه و خراج به سامان رسیده است. دربارهٔ اسباب فتح مسلمانان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. از جمله: ناخشنودی مردم از حکومت، فروریختگی باورها، تبعیض‌ها، امتیازات طبقاتی، فقدان انگیزه‌های دفاعی، همراهی اقلیت‌ها با سربازان، مجذوب بودن برابری و عدالت‌خواهی اسلام برای اهالی، ایمان جنگ‌جویان و تعصب آنان نسبت به اعتقادات و هدف‌های دینی و موارد دیگری مانند آن. در فتوحات تأثیرگذار بوده است و در واقع مجموعه‌ای از این عوامل دست به دست هم داده و اسباب پیروزی را فراهم می‌نموده‌اند.

تبلیغ اسلام و رساندن ندای توحید به اقصی نقاط عالم، میراث به جا مانده از زمان رسول اکرم<sup>(ص)</sup> بود. به همین منظور هنوز از رحلت آن حضرت خیلی نگذشته و تجمل‌گرایی در خلافت رواج نیافته بود که بسیاری از صحابه در پی کسب فضیلت و تحصیل رضا و رحمت الهی، مشتاق جهاد در راه خدا و حضور در ثغور اسلامی بودند؛ اما به تدریج در دورهٔ خلفا ضرورت نبردها و پیامدهای آن‌ها، علل و اسباب داخلی و خارجی فتوحات، اهتمام خلفا به جنگ و گسترش حوزهٔ نفوذ اسلام از راه خشونت و لشکرکشی، با دیدگاه نظری و سیرهٔ عملی پیامبر<sup>(ص)</sup> فاصله یافت. برخی با عنایت به پیامد فتوحات در کم‌تر از نیم قرن، معتقدند این فتوحات آشکارا از ارزش مکتب فکری اسلام کاست، زیرا قرآن کریم به روشنی بیان می‌کند که هدف بعثت پیامبران و حکومت آنان گسترش عدالت اجتماعی و تربیت معنوی مردم است، نه تأسیس امپراتوری قیصری و کسرابی، استثمار و بردگی و به دست آوردن غنیمت‌های بی‌کران جنگی. متأسفانه مسئلهٔ کشورگشایی در جهان اسلام تا آنجا پیش رفت که حکومت اسلامی به امپراتوری‌هایی چون ایران و روم تبدیل شد و بسیاری از صحابه در سایهٔ مقام و ثروت به فساد گرایی‌ها و حتی تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت اموی، پیامد این نبردها بوده است. همچنین، همگام با گشودن دروازه‌های اسلام به روی انبوه مردم کشورهای مغلوب، فرهنگ اسلامی به آن‌ها آموزش داده نشد. با آن‌که قدرت و نفوذ حکومت مرکزی بسیار گسترش یافت و سربازان اسلام فزونی گرفتند، ولی از مسلمانان مؤمن و پرهیزگار خبر چندانی نبود و این امر حاکی از انحراف صحابی از مسیر اسلام راستین بوده است.

## بیان مسئله

دفاع از مرزهای شمالی و مقابله با حمله خزران موضوع مهمی بود که جزء مهم برنامه‌های سیاسی-نظامی خلفا قرار گرفت، زیرا آنان نه تنها نسبت به خطر خزران و روم در مرزهای شمالی آگاه بودند، بلکه رویارویی با این مهاجمان را اصلی‌ترین و سنگین‌ترین کار خود می‌دانستند و بیشترین تلفات را در این جنگ‌ها متحمل شدند.<sup>۱</sup> تاریخ اران<sup>۲</sup> (آلبانیای قفقاز) در مقاطع متعدد زمانی پس از ورود اسلام، دستخوش تشویش و آشفتگی بوده است، زیرا در یک زمان چند دودمان بر نواحی مختلف آن فرمانروایی می‌کردند و همواره میان خود و اقوام و دولت‌های دیگر کشاکش وجود داشت. مهاجرت عرب‌ها و اعمال زور و فشار بر اهالی نیز موجب بروز شورش‌های پی در پی در نواحی مسیحی‌نشین می‌شده است. از این رو ارائه تاریخ آن سرزمین به گونه‌ای متواتر و پیگیر در دوره اسلامی میسر نیست. همچنین بررسی نحوه رفتار و عملکرد فاتحان مسلمان در اران از فتح اسلامی تا پایان دوره امویان (۲۲-۱۳۲ ه‍.ق) و تحقیق در چگونگی آن به علت سکوت منابع نیز دشوار است. مآخذ تاریخی اکثراً به تاریخ سیاسی و درگیری پی در پی اعراب، خزران<sup>۳</sup> و آرامنه پرداخته‌اند. به همین علت حتی زمان بندی رویدادها با آشفتگی همراه شده و به ندرت از رفتار فاتحان و احیاناً اقدام‌های فرهنگی و

۱ برای اطلاع بیشتر، رک: ابوالحسن احمدبن یحیی بلاذری (۱۳۹۸ق)، فتوح البلدان، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۲۰۵-۲۰۶؛ ابوبکر احمدبن محمد ابن فقیه (۱۳۴۹)، مختصر البلدان، ترجمه ح - مسعود، تهران: بنیاد فرهنگی ایران، ص ۱۳۶.

۲ نام آلبانیای قفقاز در نوشته‌های جغرافی‌نگاران به شکل‌های گونه‌گون آمده و موجب دشواری‌هایی شده است، مورخان و جغرافی‌نگاران یونانی و بیزانسی آن را «آلبانیا»، در نوشته‌های ارمنی «آوان» و مورخان و جغرافی‌نگاران مسلمان آن را «اران» نامیده‌اند. در مورد این که نام «الران» و «اران» از سوی اعراب به سرزمین «آلبانیای قفقاز» داده شده است، نظر کسروی و استاد بارتولد، دانشمند خاورشناس روسی، و اقرار علی یف بسیار به یکدیگر نزدیک‌اند (عنایت الله رضا (۱۳۷۲)، آذربایجان و اران، ص ۳۷). ابن حوقل سرزمین اران را شامل دو بخش دانسته و ارانین نامیده است (عنایت الله رضا، «اران»، دایرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۷، ص ۴۲۲، به نقل از ابن حوقل (۱۳۴۵)، صورة الارض، ج ۲، لیدن، ص ۳۴۹). وی برده، الباب (در بند) و تقلیس را بزرگ‌ترین شهرهای آنجا، و شهرهای بیلقان، ورتان، بردیج، شماخیه (شماخی)، شروان، لایجان، شابران، قبله، شکی (نوخای کنونی)، شمکور (شامخور کنونی)، جنزه (کنجه) و شهرهای کوچک دیگر را متعلق به اران دانسته است (همان، ج ۲، ص ۳۴۲).

۳ خزرها مردمانی صحراگرد و بادیه‌نشین و به گمانی از نژاد زرد و به گمان دیگر بلغاری بودند که در سده‌های نخست پس از اسلام (سده هفتم میلادی) در شمال دریای مازندران و جنوب روسیه زندگی می‌کردند. آن‌ها همسایه خلافت اسلامی و پادشاهی روم بودند. طبقه حاکم آنان پس از مدتی دین یهود را برگزیدند تا خود را از دید عقیدتی در برابر حمله‌های مسلمانان و بیزانس مسیحی مدافعه کنند (برای اطلاع بیشتر، نک: ابن فضلان (۱۳۴۵)، سفرنامه، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: بنیاد فرهنگی ایران، ص ۱۱۵؛ بارتولد (۱۳۵۸)، «خزران»، گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۳۳۹-۳۴۶).

عمرانی آنان سخنی به میان آمده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب، آگاهی از روند گسترش اسلام در آن منطقه با ابهام روبه‌روست و شاید تنها راه برای دست یافتن به اطلاعاتی ناچیز در این خصوص، بررسی سیاست‌های کلی فاتحان مسلمان، قراردادها و صلح‌نامه‌های فیما بین و شرایط منطقه به-ویژه ترکیب قومیتی آن باشد. مسئله مورد نظر نگارنده در مقاله حاضر بررسی اسباب و انگیزه‌های فتح اران و اولویت‌های رفتاری حاکمان مسلمان در تثبیت فتوحات بوده است.

## اسباب فتح اران (آلبانیای قفقاز) در دوره خلافت عمر

### ویژگی‌های لشکر اسلام

یکی از عامل‌های فتح آلبانیای قفقاز ویژگی‌های لشکر اسلام بوده است. با آن که گزارش‌های تاریخی در این خصوص اندک است، اما به نظر می‌رسد، لشکریان اسلام اکثراً افرادی فرمانبردار، شجاع و صحابی آگاه و مؤمنی بوده‌اند که هدف اصلی آنان گسترش اسلام بوده و حتی امر تبلیغ دین اسلام را نیز خود به عهده داشته‌اند. هنگامی که خلیفه عمر، سراقبن عمرو را مأمور فتح قفقاز نمود و عبدالرحمان بن ربیع در سال ۲۲ هجری از سوی وی به دربند رسید،<sup>۲</sup> بنا به دستور عمر تصمیم گرفت با همان لشکر به خزران در ناحیه بلنجر<sup>۳</sup> حمله کند. وی که درباره قصد خود با شهر براز<sup>۴</sup> (حاکم دربند) گفتگو می‌کرد، خصوصیات لشکر اسلام را که همراه وی بودند، یادآور شد: «عبدالرحمن گفت: همراهان وی قومی هستند که صحبت پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> را داشته‌اند و به این دین گرویده‌اند. جماعتی که در جاهلیت حیا و بزرگواری داشته‌اند و حیا و بزرگواری ایشان بیفزوده و این خصلت پیوسته در آنها هست تا کسانی که بر آنها چیره می‌شوند، تغییرشان می‌دهند...». <sup>۵</sup> در جای دیگر آمده است: «... صحبت رسول خدا<sup>(ص)</sup> را داشته‌اند... آگاهانه بدین کار پا گذاشته‌اند... به خدا سوگند که با ما مردمانی هستند که اگر فرمانروایانشان به ایشان دستور دهد که ژرف پیمایی کنند من آنان را به درون سرزمین

۱ رضا، همان، ج ۷، ص ۴۲۳.

۲ محمد بن جریر طبری (۱۳۸۸)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، تهران: انتشارات اساطیر، ص ۱۹۸۲.

۳ همان، ج ۵، ص ۱۹۸۴؛ قصد نگارنده بیان حمله عبدالرحمن به خزرها نیست، بلکه بیان خصوصیت لشکر اسلام است. بلنجر پایتخت خزرها بود (ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (۱۸۹۳)، *التنبیه والاشراف*، تحقیق دخویه، لیدن: چاپ دخویه، ص ۶۲).

۴ وی با پیود جنگیده و آنها را در شام شکست داده بود و در میان قومش دارای اعتبار بود. (ابن خلدون (۱۳۶۳)، *تاریخ*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۵۴۷).

۵ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۹۸۵.

برم...»<sup>۱</sup> همچنین فرماندهان سپاه اسلام در فتوحات اولیه افرادی طمع ورز، دنیا طلب و درصدد کسب غنیمت به نظر نمی‌رسند. براساس گزارشی در زمان عمر، شهریار دربند به عبدالرحمن - بن ربیعہ انگشتی بخشید که از نظر وی ارزشی بیش از ولایت دربند داشت، اما عبدالرحمن نپذیرفت. این امر موجب تعجب شهریار شد و گفت: «هریک از ملوک عجم که اطلاع از این گوهر یافتی آن را از من بگرفتی، من خود آن را به تو می‌بخشم تو نمی‌خواهی. شما به این آیین و بی‌طمعی همه عالم را توانید گرفت».<sup>۲</sup> پس با این ویژگی‌ها که از فاتحان اولیه در تاریخ نقل شده است، آنان می‌توانستند در مناطق مفتوحه تأثیرهای فرهنگی هم داشته باشند و انتظار می‌رفت که سیاست معتدل و درستی در پیش گیرند.

با این همه، به نظر می‌رسد اهمیت اقتصادی منطقهٔ اران (آلبانیای قفقاز) نمی‌توانست از نظر فاتحان، به ویژه در دوره‌های بعد که حاکمان عرب بیشتر به فکر اقتدار سیاسی و تشکیل امپراتوری بودند، دور مانده باشد؛ زیرا بر اساس کتاب‌های جغرافیای اسلامی در آنجا همه‌گونه نعمت وجود داشت. دشت‌ها و جلگه‌های کرانهٔ رود کر سرشار از گندم، جو و تاکستان‌های بسیار بود و از آن نفت، نمک، ابریشم و پنبه ... به دست می‌آمد. در اراضی آن درخت‌های زیتون می‌روید و از کوه‌هایش طلا، نقره و مس استخراج می‌شد و مردم اران (آلبانیای قفقاز) به ماهی‌گیری، کشت گندم و جو، پرورش انگور، و استخراج نفت که فروش آن روزانه به هزار درهم می‌رسید، اشتغال داشتند.<sup>۳</sup>

### سیاست تعامل و همراهی گام به گام با حاکمان محلی

به نظر می‌رسد، نخستین گام که پس از فتح دربند در راستای تثبیت فتوحات و گسترش اسلام از سوی مسلمانان برداشته شد، تعامل با حاکم و همراهی با اهالی منطقه بوده است. بدین شرح که فاتحان مسلمان بنا به قاعدهٔ رأفت اسلامی و به پیشنهاد عاقلانهٔ فرمانروای ایرانی دربند «شهر براز»، با وی صلح نمودند. در گفتگویی که میان وی و سراقه بن عمرو صورت گرفت، شهر براز به چند نکته اشاره نمود: نخست آن که وی و قومش از سوی دشمنی وحشی و ملت‌هایی

۱ ابن اثیر (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ترجمهٔ محمد حسین روحانی، ج ۴، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۱۵۴۳-۱۵۳۵.

۲ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۹۸۶.

۳ اصطخری (۱۹۲۷)، *مسالك الممالک*، لیدن: ص ۱۹۰؛ مستوفی (۱۳۸۱)، *نزهة القلوب*، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات حدیث، صص ۱۳۹-۱۴۸؛ در تاریخ طبری گفتگویی بین شهربراز و عبدالرحمن مطرح شده که در آن به وجود معادن نقره... در اران (آلبانیای قفقاز) اشاره شده است (همان، ج ۵، صص ۱۹۸۷-۱۹۸۸).

که حرمت و اعتبار نداشتند (خزران)، تهدید می‌شدند، دوم آن که هیچ ارتباطی با مردم کوه قیج (قفقاز) و ارمنی‌ها نداشت. سوم این که لشکر اسلام را دارای اعتبار و ریشه می‌دانست و در برابر دشمنانش از آن‌ها کمک می‌خواست. وی به لشکر اسلام ابراز علاقه نمود و تقاضا کرد که مسلمانان، قوم وی را با گرفتن جزیه از آنان خوار نکنند.<sup>۱</sup> مسلمانان نیز نظر وی را پذیرفتند و بر اساس این صلح نه تنها به حاکم منطقه که در بین مردم بومی از محبوبیت و اعتبار برخوردار بود، نزدیک شدند و وی را در برابر دشمنان مشترکی چون ارامنه و خزران تقویت کردند،<sup>۲</sup> بلکه اعتماد مردمی را که از حمله خزران در رنج و تشویش بودند، جلب نمودند. این تصمیم مشترک، شرایط صلح را تسهیل نمود و روابط را نزدیک‌تر و مطمئن‌تر ساخت و پایه‌های وحدت و امنیت را استحکام بخشید. مسلمانان بر اساس عهدنامه‌های منعقد، جان و مال آنان را امان دادند و اهالی در صورت هم‌پیمانی و جنگیدن در برابر دشمنان، از پرداخت جزیه معاف شدند.<sup>۳</sup> مسلماً نابودی خزران مطلوب حاکم و اهالی دربند بود، اما از حمله به آنان و تحریکشان خوف داشتند.<sup>۴</sup>

همچنین فاتحان مسلمان برای جلب نظر اقشار مختلف مردم اران (آلبانیای قفقاز) که از نظر جغرافیایی و فرهنگی از جهان اسلام دور بودند و از نظر عقیدتی با آن فاصله داشتند، از طریق اعطای آزادی‌های مشروع و حفظ امنیت و رعایت عدالت اقدام نمودند: «مردم عدالت اسلامی را خوب دیدند، اطمینان یافتند و حتی بعضی اسلام آوردند»<sup>۵</sup> و «شیرینی دادگری اسلام را چشیدند».<sup>۶</sup> در واقع لشکر اسلام به جای غلبه نظامی، رعایت رحمت و انصاف نیز می‌نمودند.

۱ طبری، همان، ج ۵، صص ۱۹۸۱-۱۹۸۲؛ ابن اثیر (۱۳۸۵)، همان، ج ۴، ص ۱۵۳۳؛ مسکویه رازی (۱۳۶۹)، تجارب الامم، ترجمه ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران: انتشارات سروش، ص ۳۶۳؛ عبدالرحمن، شهربراز را نزد سراقه فرمانده اصلی فرستاد تا مسئله جزیه را با وی مطرح کند. سراقه خواهش شهربراز را در مورد کسانی که با دشمن می‌جنگند قبول کرد و قرار شد کسانی که به جنگ با دشمنان نمی‌روند، جزیه پرداخت کنند. سپس خلیفه نیز از این کار سراقه تحسین کرد (طبری (۱۴۲۶ق)، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، بیروت: صص ۲۶-۲۷).

۲ تاریخ ایران کمبریج (۱۳۸۷)، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۱۹۶.

۳ سراقه عهدنامه‌ای با شهربراز نوشت و جان و مال آنان را امان داد. آنان نباید به مسلمانان ضرر می‌رساندند و یا عهد خود را می‌شکستند... عبدالرحمن بن ربیع، سلمان بن ربیع، بکیر بن عبدالله و مرضی بن مقرن، شاهدان این عهدنامه بودند (طبری، همان، ص ۲۷؛ عمادالدین ابی الفداء ابن کثیر (۱۴۲۸)، البدایه و النهایه، تحقیق سید ابراهیم الحویطی، ج ۷، صص ۲۹۹-۳۰۰).

۴ بکیر را به موغان، حبیب را به تفلیس و حذیفه را به کوه‌های اللان و سلمان را به منطقه‌ای دیگر گسیل داشت (طبری (۱۴۱۴ق)، تاریخ الطبری، تحقیق و تعلیق الاستاذ عبدالله علی مهنا، ج ۳، بیروت- لبنان: منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ص ۵۴۲).

۵ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۹۸۳.

۶ مسکویه، همان، ج ۱، ص ۳۶۴.

شاید در همین دوره، زمینه‌آشنایی مردم با تفکر اسلامی فراهم شد و به آن علاقه‌مند شدند. در اوایل پیروزی‌های اسلامی، مسلمانان به مردم اصرار زیادی نمی‌ورزیدند که اسلام را بپذیرند. سرداران عرب به‌ویژه تلاش می‌کردند، احکام اسلام را به خوبی رعایت نمایند و تا آنجا که ممکن بود از به‌کاربردن خشونت در مطیع ساختن مردم دوری می‌جستند. روشن است که این رویه موجب گرایش بیشتر مردم به اسلام و نظام جدید می‌شد.<sup>۱</sup> چنان‌که در منابع آمده است: «عبدالرحمن بن ربیع شهرهای بسیاری را مسلمان کرد و با مردم گرجستان به جزیه صلح نمود و بعضی را به اسلام جلب کرد».<sup>۲</sup>

اما از سوی دیگر می‌توان رفتار مسالمت‌جویانه عرب‌ها را در دوره عمر یک رفتار سیاسی به منظور پیشبرد هدف‌های نظامی نیز دانست، زیرا آنان هنوز سرگرم جنگ بودند و موقعیت‌شان تثبیت نشده بود، از این رو احساس امنیت نمی‌کردند و نمی‌توانستند به شهرها وارد شوند، بلکه در پادگان‌ها و خارج از شهرها می‌ماندند<sup>۳</sup> و نیازمند تعامل با فرمانروایان محلی بودند. به همین علت تا ورود به شهرها، فرمانروایان محلی را به عنوان نمایندگان خلیفه می‌پذیرفتند.<sup>۴</sup>

همچنین فاتحان مسلمان به فکر تبدیل اران (آلبانیای قفقاز) به پایگاه محکمی در برابر امپراتوری روم شرقی بودند.<sup>۵</sup> پس لازم بود از ساکنان بومی منطقه (که در آن زمان ابتدا وارد دربند و ارمینیه شده بودند) در رسیدن به این هدف مهم استفاده می‌کردند و چون مسیحیان و ارامنه در منطقه اکثریت را تشکیل می‌دادند،<sup>۶</sup> بنابراین در اولویت بودند و مصلحت سیاسی ایجاب می‌کرد که امان‌نامه‌هایی در شهر دربند و ارمینیه خطاب به آن‌ها نوشته شود و به حضور در لشکرکشی علیه خزران و یا تسخیر دیگر شهرها تشویق شوند. فاتحان مسلمان، مسیحیان را با وعده آزادی از پرداخت جزیه و نابودی خزران به حضور در لشکرکشی‌ها وادار می‌نمودند، زیرا هجوم خزران، مردم بومی را نابود کرده بود و آن‌ها مجبور بودند از

۱ علی‌رضا راهور لبقوان (۱۳۷۶)، تاریخ قره باغ، تهران: وزارت امور خارجه، ص ۴۴.

۲ طبری، همان، ۵، ص ۱۹۸۴.

3 Zhuze P.K.(1927), *Azerbaijan Pod Vlast Arabov*, VII-IX v v., NAI AN Azerb, SSR, No. 763, 12.

۴ عنایت‌الله رضا (۱۳۸۰)، *اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، صص ۲۵۰ و ۲۵۱.

5 Z. Buniatov (1966), *Azerbaijan*, v VII-IX v v. Baku, p. 87-88.

۶ در گزارش فتحی که سراقه‌بن عمرو به عمر فرستاد، اکثر ساکنان را ارمنی خواند (برای اطلاع بیشتر، ذک: اصطخری، همان، ص ۱۶۱؛ لیسترنج (۱۳۸۶)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۹۳).

دست مهاجمان به کوه‌ها پناه ببرند.<sup>۱</sup> به همین علت، اهالی لشکر اسلام را نجات بخش خود می‌دانستند و حاضر بودند برای نابودی خزران با آنان همراه شوند. در منابع تاریخی آمده است که: «عبدالرحمن بن ربیعہ بر خزران پیروز شد و غنیمت فراوان به دست آورد، ولی زنی بیوه و کودک ییتیم نشد». <sup>۲</sup> سخن اخیر شاید مبالغه آمیز باشد، اما از همراهی مردم با وی و عدم مقاومت خزران در برابر لشکر اسلام به دلیل خوف از اقتدار سپاه مسلمانان حکایت می‌کرد، چنان که در این خصوص افسانه‌هایی بر سر زبان‌ها وجود داشته است.<sup>۳</sup>

### تغییر در ترکیب جمعیتی

درباره مهاجرت عرب‌ها به سرزمین‌های تحت تصرف آنان می‌توان دو هدف ایشان را معین نمود: هدف نخست، ایجاد اردوگاه بود که عامل خلیفه در آنجا می‌زیست، و هدف دوم تصرف اراضی معین از سوی قبیله‌های بادیه‌نشین بود. اردوگاه‌ها با سرعت به مکان‌های زندگی تبدیل می‌شدند و صبغهٔ مرکزی فرهنگ اسلامی را به خود می‌گرفتند و زبان عربی در آن ناحیه‌ها گسترش می‌یافت.<sup>۴</sup>

بنابراین تغییر در ترکیب جمعیتی منطقه مذکور، جزء اولویت‌های سیاسی فاتحان به شمار می‌آمد. سراقه بن عمرو و هریک از رؤسا را با جمعی از لشکریان مسلمان به دربندها و بلادی که در کوه بود، فرستاد و ایشان را به جای آلان‌ها و خزران که مردم بومی از آن‌ها در عذاب بودند، سکونت داد.<sup>۵</sup> زیرا مردم و ارمنی‌ها در اثر جنگ و هجوم بیگانگان (هون‌ها و خزران) از سکونت در زمین خود باز مانده و شهرها را تخلیه کرده بودند.<sup>۶</sup> گزارشی که مسعودی در *مروج الذهب* آورده، حاکی از آن است که اعراب از آغاز کشورگشایی به آن منطقه آمده‌اند و در آن ماندگار شده‌اند: «ما بین مملکت جیدان و باب الابواب گروهی مسلمان عربند که جز زبان عربی ندانند و در بیشه‌ها و جنگل‌ها و دره‌ها و کنار رودخانه‌های بزرگ که از دهکده‌های

۱ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۹۸۳؛ بلاذری (۱۳۶۷)، *فتوح البلدان*، مقدمه و ترجمه احمد توکل، تهران: نشر نقره، صص ۲۷۹-۲۸۰.

۲ ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۱۵۳۵.

۳ ابن خلدون، همان، ج ۱، ص ۵۴۸.

4 V.V.Bartold(1966), *Musulmanskii mir, Sochineniia*, Tom VI, Moscow, p.233- 234.

۵ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۹۸۴؛ عباسقلی آقا کیخانوف، *گلستان ارم*، تهران: انتشارات ققنوس، ص ۶۲.

۶ طبری، همان، ج ۵، ص ۱۹۸۳.

مسکونی‌شان می‌گذرد، پراکنده‌اند و از هنگامی که این دیار گشوده شده صحرا نشینان عرب به آنجا آمده‌اند و در این ناحیه سکونت دارند.<sup>۱</sup> در ایام خلافت عمر پل خدا آفرین بر روی ارس توسط بکیر بن عبدالله، یکی از فرماندهان سپاه سراقه بن عمرو، ساخته شد.<sup>۲</sup>

### دوره خلافت عثمان و سیاست سرکوب مخالفان

به نظر می‌رسد، موضوع کشور گشایی‌ها در دوره خلافت عثمان تفاوت‌هایی با دوره پیش از آن داشته و با شدت و سرعت بیشتری پیگیری می‌شده است. با آن که عثمان در ابتدای خلافتش به عبدالرحمن بن ربیع سفارش کرد: «بسیاری از مسلمانان از پر خوری ناتوان شده‌اند کوتاه بیا و مسلمانان را به خطر نینداز»،<sup>۳</sup> اما به علت نقض صلح نامه‌های زمان عمر و تمرد و عصیان مردم آذربایجان و ارمنیه،<sup>۴</sup> فتنه خزران و کشته شدن عبدالرحمن بن ربیع و دفع خطر امپراتوری روم، وی دستور حمله به مناطق شمالی ایران را صادر کرد و چون شرایط سختی پیش آمده بود، تصمیم گرفت افرادی را به عنوان فرمانده به آنجا اعزام نماید که در جنگیدن و غنیمت گرفتن ماهر باشند.<sup>۵</sup> به همین دلیل در سال ۲۴ هجری قمری حسیب بن مسلمة فهری را با شش یا هشت هزار نفر روانه ارمن، مغان و شروان نمود.<sup>۶</sup>

حسیب بن مسلمة به شدت از معاویه فرمانبرداری می‌کرد و به همین دلیل، همواره مورد سرزنش امام حسن<sup>(ع)</sup> قرار می‌گرفت.<sup>۷</sup> وی در پیکار با سپاه روم کارنامه درخشانی کسب کرده

- ۱ مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۸۸.
- ۲ مستوفی، همان، ص ۸۸؛ مینورسکی (۱۳۷۵)، پژوهش‌هایی در تاریخ قفقاز و دربند، ترجمه محسن خادم، تهران: ص ۳۷ و ۳۸.
- ۳ جمله اخیر توصیف وضعیت سپاه اسلام در اواخر دوره عمر است و خواننده را به تأمل وادار دارد (ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۱۶۶۴).
- ۴ احتمالاً به اران نیز لشکرکشی شده، چون منظور تاریخ‌نویسان از ارمنیه، گاه اران و خزران بوده است (غیاث الدین بن همام - الدین الحسینی خواندمیر (۱۳۸۰)، حسیب السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر دبیر سیاقی، ج ۱، تهران: انتشارات خیام، ص ۴۹۸-۴۹۹).
- ۵ حسیب بن مسلمة (فرمانده سپاه شام) و سلمان بن ربیع (فرمانده سپاه عراق) در فتوحات دوره عثمان نقش اصلی را بازی کرده‌اند (بلادری، همان، ص ۱۹۶؛ خواند میر، همان، ج ۱، ص ۵۰۰).
- ۶ بلادری، همان، ص ۱۹۶؛ ابن اعمش کوفی (۱۳۸۶)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۸۶.
- ۷ سید رضا طاهری (۱۳۸۷)، «حسیب بن مسلمة»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، ج ۱۲، ص ۵۵۵ و ۵۵۶؛ احمد بن واضح یعقوبی (۱۳۷۱)، تاریخ، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ص ۶۱.

بود و اصل و نسبش به قریش می‌رسید.<sup>۱</sup> حبیب بن مسلمه، قالیقلا را به سختی گشود.<sup>۲</sup> سپس با ارمیناقس جنگید و در آلبانیای قفقاز شهرهای زیادی را فتح نمود،<sup>۳</sup> اما نمی‌توان ادعا کرد که این پیروزی‌ها ناشی از علاقه مردم به اسلام یا رفتار خوب فاتحان اسلامی بوده است، زیرا قراین و شواهد حاکی از آن است که وی می‌خواست قنوجات را به سرعت به نام خود ثبت کند. به همین دلیل، برای کسب شهرت و افتخار، در حمله به مخالفان و سرکوب ایشان، جدیت تمام به خرج می‌داد و به علت مقاومت‌هایی که از سوی مردم در برابر سپاه وی می‌شد، شرایط سختی برای صلح مقرر می‌کرد،<sup>۴</sup> در قبول اسلام از سوی مردم اصرار می‌ورزید و با تعیین جزیه و یا تأکید بر جلای وطن، مقاومت مردم را درهم می‌شکست. از این رو بسیاری ترجیح می‌دادند ترک وطن کنند، به طوری که بعضی به روم کوچ کردند.<sup>۵</sup> لاجرم سپاه اسلام به هر شهر و قصبه‌ای می‌گذشتند، مردم توان مقاومت نداشتند و ابواب فتح و نصرت بر آن‌ها گشوده می‌شد.<sup>۶</sup> به طور قطع، این گونه کشورگشایی‌ها با سیره پیامبر<sup>(ص)</sup> در تضاد جدی بود و این خود آغاز اجرای سیاست سرکوب مردم به دست امویان در فتوحاتشان شمرده شده است. البته در این میان بعضی از شهرها هم به صلح و آشتی گشوده می‌شد. مثلاً شهر دیبل که اهالی آن مقاومت نکردند و این امر از متن صلح نامه‌ها مشخص است: «هیچ کس از اهالی از زرتشتی و یهودی، حاضر و غایب به قتل نخواهد رسید و اسیر نخواهد شد و هیچ یک از آتشکده‌ها و کنیسه‌ها ویران نخواهد شد و مانعی در کار نخواهد بود که اهالی خرید و فروش [کنند] و جشن‌های خود را بر پا دارند»؛<sup>۷</sup> یا سلمان بن ربیع در سال ۳۵ هجری در اران بیشتر شهرها را به صلح گشود، ولی در دربند، خاقان خزر راهش را سد کرد و سلمان به همراه چهار هزار تن

۱ برای اطلاع بیشتر نک: ابن کلبی (۱۴۰۷)، *جمهرة النسب*، چاپ ناجی حسن، بیروت: ابی‌نا، صص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ محمدبن-سعد (۱۳۷۹)، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۷، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ص ۴۰۹؛ ابن عساکر (۱۴۱۵-۱۴۲۱)، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱۲، بیروت: چاپ علی شیری، ص ۶۸.

۲ بلاذری، همان، ص ۱۹۶.

۳ قالیقلا، ارزروم، بسفرجان، سیسجان، تفلیس، گرجستان... (بلاذری، همان، صص ۲۰۱-۲۰۲؛ ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۱۶۰۵) و حتی همسرش نیز در این فتوحات شرکت کرد. ام‌عبدالله کلایب دختر یزید هم همراه وی در فتوحات شرکت می‌کرد. او نخستین زن عربی بود که برایش سراپرده برافراشتند (شمس‌الدین محمدبن احمدبن عثمان ذهبی (۱۹۸۷)، *تاریخ الاسلام*، ج ۳، بیروت-لبنان: دارالکتب العربیه، ص ۳۰۹).

۴ بلاذری، همان، ص ۱۹۷.

۵ ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۱۶۰۳.

۶ خواندمیر، همان، ج ۱، صص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۷ بلاذری، همان، ص ۱۹۹.

کشته شدند.<sup>۱</sup>

با این که در دوره عثمان اوضاع تا مدتی تحت نظارت قرار گرفت و فاتحان به هر روی بر اوضاع مسلط شدند،<sup>۲</sup> عدم وحدت و یکپارچگی بین مسلمانان عرب، و در این میان سر برآوردن خزران در عرصه قدرت، به تدریج زمینه وابستگی اران به مهاجمان شمال (خزران) را فراهم کرد. در اثر سرکوبها و حمله‌های بی در پی حبیب، دشمنی اران به مسلمانان شدیدتر شد و صورت نظامی به خود گرفت.<sup>۳</sup> ارمنی‌ها که تا چندی پیش از دست خزران به کوهستان‌ها پناه می‌بردند، این بار با خزران توافق نمودند، برای جنگ با مسلمانان آماده شدند و همراه با اهالی بومی از تسلط کامل کارگزاران خلیفه بر اران ممانعت به عمل آوردند.<sup>۴</sup>

### اختلاف بین لشکریان شام و عراق بر سر دستیابی به غنیمت‌ها

یکی از موضوع‌های مهم در دوره عثمان اختلاف و رقابت گروه‌های عراقی و شامی در آلبانیا بر سر فتح و غنیمت بوده است که دقت در آن بسیاری از حقایق را بازگو می‌کند. بدین شرح که حبیب بن مسلمه (فرمانده سپاه شام) در رویارویی با ارمیناقس، از معاویه و عثمان کمک خواست. وی از معاویه تقاضا کرد تا از مردم شام و جزیره کسانی را که به جهاد و غنیمت راغب هستند به سوی او اعزام نماید. معاویه دو هزار نیرو فرستاد و آنان را در قالیقلا اسکان داد. سعید بن عاص، والی عثمان در کوفه، شش هزار جنگجو را به فرماندهی سلمان بن ربیع (فرمانده سپاه عراق) به سوی ارمینیه گسیل داشت،<sup>۵</sup> اما حبیب بن مسلمه فهری برای آن که پیروزی به نام گروه‌های عراقی نوشته نشود و غنیمت‌ها به دست آن‌ها نیفتد، پیش از رسیدن کمک، کار جنگ را یکسره کرد.<sup>۶</sup> به همین علت، دشمنی دیرین بین گروه‌های عرب عراقی و شامی بر سر تصاحب غنایم به شدت رخ نمود. کار به جایی کشید که به منظور تحریک افراد به قتل سلمان بن ربیع اشعاری هم سروده شد؛<sup>۷</sup> زیرا وی مدعی بود که گروه عراقی نیز در

۱ همان، صص ۲۰۲ و ۲۰۵-۲۰۶؛ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲ میر خواند (۱۳۷۳)، *روضه الصفاء*، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، ج ۱، تهران: انتشارات علمی، ص ۳۵۲.

۳ «چون مسلمان‌ها بی در پی بر ایشان می‌تاختند، آنان را بر افروختند. آنان گمان می‌کردند مسلمانان نمی‌میرند» (ابن اثیر، همان، ج ۴، ص ۱۶۶۳).

۴ رضا، *اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول*، ص ۲۵۰.

۵ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۶۱؛ بلاذری، همان، صص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۶ ابن اعمش کوفی، همان، ص ۲۸۷.

۷ بلاذری، همان، ص ۱۹۷.

تصاحب غنایم سهیم‌اند، چون برای کمک به سپاه شام، خانه و کاشانه خود را ترک کرده‌اند. نهایتاً پس از کسب تکلیف از عثمان، غنایم به مردم شام برگشت داده شد،<sup>۱</sup> و این نشانه حمایت عثمان از امویان و به ویژه سپاه شامی منتسب به معاویه بوده است.

از نشانه‌های نفوذ تفکر اموی در گردآوری ثروت و حرص غنیمت در بین والیان اران، می‌توان به عنوان مثال از اشعث بن قیس یاد کرد، یعنی آن‌که در روزگار علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> (۳۵-۴۰هـ.ق) نیز ولایت‌دار منطقه آذربایجان و اران بود، و از زمان عثمان به این کار اشتغال داشت.<sup>۲</sup> وی هنگامی که امر علی<sup>(ع)</sup> را در خصوص تسلیم اموال بیت‌المال آذربایجان دریافت کرد که فرمود: «همانا نفست تو را به خود مغرور ساخته و به غایت گستاخ نموده است ... پیوسته روزی او را خورده و در آیات او کج روی کرده‌ای و خود به بهره خود کامیاب شده‌ای و نیکی‌های خود را برده‌ای پس هرگاه فرستاده‌ام این نامه را به تو داد، خدا بخواهد به سوی من رهسپار شو و آنچه از مال مسلمین نزد توست با خود حمل کن»،<sup>۳</sup> در مقابل دستور امام<sup>(ع)</sup> مقاومت کرد و با معاویه بنای مکاتبه را گذاشت.<sup>۴</sup> سخنان امام (ع) بیانگر شخصیت، عملکرد و اخلاقیات حاکمان مسلمان و میزان فاصله گرفتن آن‌ها از عدالت و انصاف در دوره عثمان است.

در دوره حکومت عثمان نیز سیاست اسکان اعراب در منطقه دنبال شد. لشکرکشی حبیب بن مسلمه به سوی ارمنیه با شش یا هشت هزار تن از اهالی شام و جزیره، راه ورود جمعیت زیادی را از شام به جانب ارمنیه باز نمود و آنان در منطقه‌های مختلف ساکن شدند.<sup>۵</sup> همچنین، با سخت شدن شرایط صلح در دوره عثمان، اهالی به جلای وطن رو آوردند و مسلمانان به جای آن‌ها سکونت گزیدند.<sup>۶</sup> در خصوص فعالیت‌هایی نظیر تبلیغ اسلام از دوره خلافت عثمان اطلاعات خاصی در دست

۱ همان، صص ۲۰۱-۲۰۰؛ روایت ابن اعثم کوفی با بلاذری متفاوت است (صص ۲۸۶-۲۹۰)؛ ابن عساکر، همان، ج ۱۲، ص ۴۷، خواندمیر، همان، ج ۱، صص ۴۹۸-۴۹۹.

۲ همان، ص ۲۰۵.

۳ «اما بعد فانما عرک نفسک و جراک علی آخرک املاء الله لک اذ مازلت قدیما تاکل رزقه فی آیاته و تستمتع بخلاقک و تذهب بحسناتک الی یومک هذا فاذا اتاک رسولی بکتابی هذا فاقبل و احمل ما قبلک من مال المسلمین» (ابن اعثم کوفی، همان، ص ۴۵۶).

۴ نصرین مزاحم (۱۴۰۴ق)، وقعة صفین، چاپ عبدالسلام محمد بن هارون، قاهره: صص ۲۱-۲۳.

۵ ابن اعثم کوفی، همان، ص ۲۹۱.

۶ بلاذری، همان، ص ۱۹۶.

نیست. تنها گفته شده حذیفه‌بن‌الیمان نشان عثمان را با خود به اران (آلبانیای قفقاز) آورد و یک سال در آن ناحیه به تمهید ارکان اسلام پرداخت،<sup>۱</sup> و یا حبیب‌بن‌مسلمه، عبدالرحمن‌بن‌جزء - سلمی را که مردی عالم و اهل معرفت خدا و قرآن بود، مأمور کرد تا به مردم آیین اسلام را بیاموزد.<sup>۲</sup>

### اران یا آلبانیای قفقاز: پل ارتباط با امپراتوری روم (در دوره امویان)

در باره سرنوشت سیاسی و عملکرد فاتحان مسلمان در اران (آلبانیای قفقاز) از سال ۳۵ تا سال ۴۱ هـ.ق، یعنی تا آغاز حکومت امویان، اطلاع چندانی در دست نیست.<sup>۳</sup> قتل عثمان در سال ۳۵ هـ.ق و اوضاع آشفته دستگاه خلافت و نارضایتی‌های مردم و درگیری‌های داخلی در جهان اسلام در سرنوشت آن منطقه نیز تأثیر گذار شد. صرف نظر از تثبیت نسبی وضعیت سیاسی در دوره معاویه، باید گفت سراسر دوران حاکمیت امویان عرصه کشمکش و درگیری بین قدرت‌های خارجی در آلبانیای قفقاز بوده است؛ به طوری که اران در بین امپراتوری روم شرقی، خزران و اعراب دست به دست می‌شد و قدرت طلبی و زورآزمایی برای دستیابی به هدف‌های فاتحان جلوه بیشتری داشت و اساساً آرمان اولیه فتح و حضور مسلمانان در اران مغفول ماند.

به نظر می‌رسد در دوره خلافت معاویه (حک: ۴۱-۶۰ هـ.ق)، نه تنها سلطه قدرتمندانه بر اران (آلبانیای قفقاز) بلکه برقراری رابطه با روم شرقی نیز مد نظر بوده است. وی اران را پل ارتباط با روم می‌دانست و با فشار بر حاکمان و حکومت‌های محلی می‌خواست به مقصود خود برسد. بدین شرح که جوانشیر (حاکم اران) خواهان تکیه بر حامی قدرتمند بود. وی پس از مرگ عثمان اوضاع جهان اسلام را آشفته دید و از فرصت پیش آمده استفاده کرد و بین سه قدرت متنازع در اران (خزران، اعراب و امپراتوری روم) ابتدا به امپراتور روم نزدیک شود؛

۱ همان، ص ۲۰۳.

۲ رضا، «تفلیس»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶، ص ۴۳.

۳ در فتوح البلدان نام افرادی که پس از قتل عثمان تا پیش از حکومت معاویه در اران فرمانروایی کرده‌اند، آورده شده است (بلاذری، همان، ص ۲۰۳)؛ در روضة الصفا آمده است که عبدالله‌بن‌زبیر پس از شکست مختار، مهلب‌بن‌ابی‌صفره را حاکم ارمنستان و اران کرد (میرخواند (۱۳۷۳)، همان، ج ۱، ص ۳۴۵).

۴ در این بین خزرها و هون‌ها از سال ۴۲ تا ۴۵ هـ.ق بی در پی به اران حمله می‌کردند و نه تنها دست به غارت می‌زدند، بلکه برای ارتباط بیشتر خواهان مذاکره با جوانشیر هم بودند، اما وی و مردمش حاضر نبودند با خزرها و هون‌ها، به دلیل خوی غارتگری و هجومی‌شان، ارتباط داشته باشند (رضا، همان، صص ۴۰۱-۴۰۲).

اما امپراتور، به وی روی خوش نشان نداد، زیرا نه تنها از حمله اعراب می‌ترسید و توان حمایت از دولت دیگری را نداشت، بلکه اران نیز به عنوان سرزمینی دور دست نمی‌توانست مورد علاقه امپراتوری روم باشد.<sup>۱</sup> به همین دلیل، جوانشیر برای حفظ حکومت خود به دربار شام متمایل گردید. در این هنگام معاویه وی را به خیانت متهم کرد و تمام حکومت‌های محلی قفقاز را تهدید به حمله نمود. جوانشیر برای توقف حمله سپاه شام، به ایجاد روابط صلح‌آمیز بین روم و شام که مورد مطالبه معاویه بود، تلاش نمود. در قبال این خوش خدمتی، معاویه حکومت نواحی دیگر را نیز به وی پیشنهاد کرد و بدین ترتیب منطقه مدتی روی آرامش به خود دید و اران (آلبانیای قفقاز) کاملاً تابع و خراجگزار خلافت امویان شد.<sup>۲</sup>

اما سال‌های خلافت یزید (۶۰-۶۴هـ.ق) کاملاً عکس دوره معاویه بود، زیرا وی مانند پدر، برنامه‌ای به منظور تثبیت قدرت نداشت. مناقشات درونی و بیرونی در دوره وی و جانشینانش به اوج خود رسید. فتنه ابن‌زبیر بر ارمینیه هم تأثیر گذاشت و جوانمردان و تابعان‌شان شروع به مخالفت با سلطه عرب کردند.<sup>۳</sup> در این زمان فرمانروایی اران در دست فردی به نام وراز تیرداد، برادر جوانشیر، بود.<sup>۴</sup> این بار نوبت امپراتور روم شرقی بود که از ضعف و ناهماهنگی‌های خلافت اسلامی در دوره یزید و جانشینانش بهره‌برد و حاکم اران را تحت فشار قرار دهد.<sup>۵</sup> در اران برخی از اسقف‌ها نیز خواهان اطاعت از روم شرقی بودند؛ اما چون طبقات اشراف و امیران اران راضی به این ارتباط نبودند، زمینه مداخله مجدد امویان را فراهم نمودند. به تدریج، اوضاع پیچیده‌تر شد و تنش در صحنه قدرت‌طلبی امپراتوری روم و اعراب شدت یافت. به طوری که در دوره خلافت عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶هـ.ق) خوی اموی خود را بیشتر نشان داد و محمد بن مروان که از سوی وی حاکم ارمینیه شده بود،<sup>۶</sup> برای مقابله با امپراتوری روم با بی‌رحمی تمام به کشتار ارمنیان دست زد. حتی شاهزاده اران را اسیر کرد، کلیساها را به آتش کشید و هشتصد تن زن و مرد ارمنی را با فریب به دام افکند و دختر

۱ همان، ۴۰۲.

۲ بارتولد، وو (۱۳۷۵)، جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه لیلارین شه، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۲۹.

۳ بلاذری، همان، ص ۲۰۳.

۴ وی که از روی ترس در برابر هر سه قدرت خارجی اظهار اطاعت می‌کرد، و همزمان به خزران و رومی‌ها و عرب‌ها خراج می‌پرداخت تا به نفع خود استفاده کند. وی دست‌نشانده خلیفه در شرق قفقاز و فرمانروای اران بود (بارتولد، همان، ص ۲۸).

۵ امپراتور روم مدتی وی را به جرم نزدیکی به خلیفه بغداد زندانی کرد.

۶ بلاذری، همان، ص ۲۸۷.

بطریق به نام «امیزید»، دختر بطریق سیسنگان، در این جنگ اسیر شد.<sup>۱</sup> تقریباً دوره نخست حکومت امویان بیشتر به درگیری با روم شرقی گذشت.

### امویان و مقابله آنان با خزران

تقریباً تا سال ۸۹ هجق تنها منازع جدی اعراب در صحنه قدرت، امپراتوری روم شرقی بود، اما «حاکمیت طولانی عربها موجب بروز اختلافات بعدی شان با خزران نیز شد».<sup>۲</sup> خزران از سال ۹۳ تا ۹۸ هجق به عنوان متحد امپراتوری روم شرقی به طور جدی وارد عرصه کارزار با فاتحان مسلمان شدند و با این اتحاد نه تنها امپراتوری بیزانس را از سقوط حتمی نجات دادند،<sup>۳</sup> بلکه از منطقه شمال دربند علیه مسلمانان به طرزی خطرناک و بی امان حمله می کردند.<sup>۴</sup> شاید آشفته‌گی و عزل و نصب‌های پی در پی فرماندهان و حکمرانان، اختلافات درونی امویان در برابر شام وعدم ثبات حکومت اسلامی، خزرها را در حمله‌هایشان به اران و ارمینیه مصمم تر کرد؛ به طوری که هر سال مسلمانان را غافلگیر و قلعه‌ها را ویران می کردند.<sup>۵</sup> اوضاع چنان خطرناک شده بود که تا سال ۱۱۳ هجق بارها مسلمة بن عبد الملک،<sup>۶</sup> جراح بن عبد الله حکمی، عبد العزیز بن حاتم باهلی، عبد الله حاتم بن نعمان باهلی، سعید بن عمرو و هرشی ... مروان بن محمد، حاکمان و فرماندهان عرب، به منظور مهار حمله‌های خزران، با جدیت و شدت جنگیدند.<sup>۷</sup> مثلاً جراح بن عبد الله حکمی که از سوی هشام بن عبد الملک حاکم ارمینیه شده بود،<sup>۸</sup> در سال ۱۰۳ هجق با شش هزار لشکر به کمک محافظان دربند آمد تا در برابر خزرها ایستادگی کند.<sup>۹</sup>

۱ همان، ص ۲۰۳.

۲ در سال ۸۹ هجق مسلمة بن عبد الملک چند شهر و قلعه را گشود و تا دربند پیش رفت و خزرها در سال ۹۳ هجق به مقابله شتافتند (همان، ص ۲۰۴؛ رضا، ص ۴۱۰).

3 M.I. Artamonov (1962), *Istoriia Khazar*, Leningrad, p. 202.

۴ طبری در حوادث سال ۱۰۳ هجق می‌نویسد: «در این سال ترکان به قوم آلان حمله می‌بردند» (طبری، همان، ج ۹، ص ۴۰۲۹). احتمالاً مقصود طبری از ترکان، خزران و از آلان، اران باشد. بلاذری نیز از خزران نام می‌برد. برای اطلاع از تفاوت واژه ترک و خزر، نک: مسعودی، همان، ج ۱، ص ۱۷۲.

۵ طبری، همان، ج ۵، صص ۱۹۸۶-۱۹۸۹؛ میرخواند، همان، ج ۱، ص ۳۴۵.

۶ طبری، همان، ج ۹، صص ۳۸۲۱ و ۴۰۹۲؛ یعقوبی، همان، ج ۲، صص ۲۸۵-۲۸۶.

۷ در دوره عمر بن عبد العزیز، خزران بزرگ‌ترین حمله خود را علیه عرب‌ها انجام دادند (یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۳۱۷؛ ابن- اثیر، همان، ج ۵، ص ۱۵۸).

۸ طبری، همان، ج ۹، ص ۴۱۱۰.

۹ میرخواند، همان، ج ۱، صص ۴۰۵-۴۰۷؛ ابن خلدون، همان، ج ۲، صص ۱۳۸ و ۱۴۵.

وی تمام نیروهای موجود را گرد آورد و به منظور شکست خزران برنامه دقیق به کار بست و براساس برخی منابع برای بسیج نیروها به روش جنگ‌های صدر اسلام، خطبه خواند و از طریق تبلیغات فرهنگی عمیق در میان سپاه اسلام روحیه شهادت‌طلبی و نیروی ایمان آن‌ها را تقویت کرد.<sup>۱</sup> حتی با اهالی غیرمسلمان طبرسران و قیطاق که هنوز مسلمان نبودند، پیمان بست و آن‌ها نیز پذیرفتند مسلمانان را یاری کنند. معمولاً مسلمانان پیروز می شدند و غنائم زیادی در این جنگ‌ها به دست می آمد. مسلمة بن عبدالمک نیز در نبرد با خزران موفقیت‌های زیادی کسب کرد، دربند را گشود و بسیاری از خزران، خانه و کاشانه خود را ترک کردند و بسیاری هم کشته شدند. برخی از شهرها نیز به صلح گشوده شد.<sup>۲</sup> درباره علت توفیق مسلمة گفته شده است، پادشاهان جبال قفقاز با وی همراه شدند و یاریش کردند؛<sup>۳</sup> اما حس برتری و پیروزی موجب غرور اعراب می شد و در اسلام آوردن اهالی اصرار می کردند و هر کس نمی پذیرفت در معرض قتل و غارت قرار می گرفت.<sup>۴</sup> البته در زمان فرماندهی مروان بن محمد فرمانروای خزران از ترس سپاه اسلام، مسلمان شد و مروان افرادی را فرستاد تا در میان آن‌ها اسلام را تبلیغ کنند.<sup>۵</sup>

با این که در این دوره اوضاع سیاسی آشفته بود، اما جالب توجه آن است که مردم بومی و حتی حکمرانان محلی از فرمانروایان مسلمان انتظار تأمین امنیت در برابر خزران را داشتند و به مسلمانان اعتماد می کردند. گاه به مسلمانان توصیه می کردند که برای نجات خود با خزران نجنگند، و گاه رهایی فرزندانشان را که خزران به اسارت گرفته بودند، از مسلمانان می خواستند و یا ساکنان محلی با راهنمایی خود، مسلمانان را در فتح دوباره قلعه‌ها یاری می کردند و به همراه سپاه مسلمانان قلعه‌های ویران شده را تعمیر می کردند.<sup>۶</sup> این ارتباط را شاید بتوان حاکی از آن شمرد که مردم بومی (محلی) به اسلام علاقه داشتند و یا آن را پذیرفته بودند و مسلمانان را نسبت به دیگر مهاجمان منصف‌تر می دانستند.

۱ به منظور اطلاع بیشتر، نک: طبری، ۹، همان، ج ۹، ص ۴۰۴؛ اما در نبرد سال ۱۱۲ هجری نهایتاً جراح به شهادت رسید و در آنجا پلی وجود دارد که به پل جراح معروف است (طبری، همان، ج ۹، ص ۴۱۱؛ بلاذری، همان، ص ۲۰۴).

۲ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۲۸۵؛ طبری، همان، ج ۹، ص ۴۱۳۶.

۳ بلاذری، همان، ص ۲۰۵؛ مینورسکی، تاریخ شروان و دربند، ص ۳۹.

۴ باکیخانوف، همان، ص ۶۴.

۵ بلاذری، همان، صص ۲۰۵-۲۰۶.

۶ همان، ص ۲۰۵؛ خواندمیر، همان، ج ۱، صص ۴۹۸-۵۰۴.

### اسکان اعراب در منطقه‌های تصرف شده

سیاست تغییر در ترکیب جمعیت در دوره اموی نیز اجرا شد، زیرا هم باعث حمایت از ساکنان بومی در برابر حملات بیگانگان می‌گردید و هم تدبیری بود برای اسکان اعراب و مسلمانان در منطقه‌های تصرف شده و پیشروی تدریجی در آن سرزمین‌ها. مسلمة بن عبدالمک که در سال‌های ۱۱۲-۱۱۳ هجری والی ارمنستان و اران بود، ۲۴ هزار تن از سپاهیان شام را در ناحیه دربند جای داد و با برقراری عطا و وضعیت مالی آن‌ها را نیز تأمین کرد.<sup>۱</sup> سکونت گروه مذکور در آن ناحیه در واقع یکی از مهم‌ترین کوچ‌های عرب به اران بوده است و همین امر موجب رواج زبان عربی و آداب و رسوم آن شد.

به همین ترتیب عرب‌ها در دیگر شهرهای اران، از جمله بردعه، بیلقان و قبله، ساکن شدند و در آن سرزمین‌ها باروهای مستحکم پدید آوردند.<sup>۲</sup> بسیاری از نواحی شمال اران و داغستان کنونی به قبیله‌های عرب واگذار شد. مروان بن محمد نیز بخشی از خزران را به ناحیه واقع بین رود سمور و شهر شابران کوچ داد.<sup>۳</sup>

ایجاد استحکامات و شهرهای دارای قلعه‌های محافظ و پادگان‌های نظامی در کانون‌های سوق الجیشی و حفظ این پادگان‌ها و کانون‌های مستحکم، نیازمند صرف هزینه‌های هنگفت بود که بر دوش مردم محلی سنگینی می‌کرد. از این رو خلفای بنی‌امیه ناگزیر بودند بهترین اراضی ملاکان و اشراف زمین‌دار و اهالی را از دستشان بیرون آورند و در اختیار قبیله‌های عرب قرار دهند تا به عنوان مدافعان خلافت عمل نمایند؛ به همین دلیل قبایل عرب را از شام و دیگر قلمروها به سرزمین قفقاز کوچ می‌دادند. چنان‌که گفتیم بسیاری از نواحی شمال اران و داغستان کنونی به قبیله‌های عرب واگذار شد. برای مثال، در اران قبیله ربیع که از حله بغداد آمده بودند، ساکن شدند.<sup>۴</sup>

جراح بن عبدالله حکمی، تفاوت بین وزن‌ها و کیل‌ها را در بردعه از بین برد و پیمان‌های به وجود آورد که به آن جراحی می‌گفتند این پیمان‌ها تا به امروز در معامله‌ها مورد استفاده قرار

۱ مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۹۰؛ رضا/ارن از دوران باستان...، ص ۴۱۷ و ۴۳۳؛ مردم دربند اجازه ورود به هیچ عاملی نمی‌دادند، مگر آن که مالی داشته باشد که بین آن‌ها تقسیم شود و مکانی برای غذا و گندم و خزانه سلاح... (بلاذری، همان‌جا).

۲ رضا، همان، ص ۴۳۳.

۳ بارتولد، گزیده مقالات تحقیقی، ص ۳۴۵.

۴ رضا، همان، ص ۴۳۵.

می‌گیرد.<sup>۱</sup> قراین و شواهد حاکی از آن است که امویان شهرها و قلعه‌ها را نیز تعمیر می‌کردند تا بر ویرانه‌ها حکمرانی نکنند. مثلاً مسلمة بن عبد الملک قلعه‌ها را تعمیر کرد و عبدالله حاتم - بن نعمان شهر دیبل و دژ آن را مرمت نمود و مسجد آن را وسعت بخشید و به تجدید بنای شهرهای نخجوان و بردعه پرداخت.<sup>۲</sup>

### حاصل سخن

در ابتدا گسترش اسلام و دفاع از مرزهای شمالی هدف مقدس مسلمانان در فتح اران بود و تبلیغ اسلام و رساندن ندای توحید جزو اولویت‌های آنان به شمار می‌آمد و برای تثبیت حکومت اسلام، با حاکمان، مردم محلی و مسیحیان به نرمی رفتار می‌شد و فاتحان که خود مبلغان اسلام هم بودند، سعی می‌کردند احکام و اخلاق اسلامی را رعایت نمایند و در الزام افراد به مسلمان شدن سخت‌گیری نکنند و آزادی و عدالت را در سرزمین‌های تصرف شده اعمال نمایند؛ اما این روند دیری نپایید، زیرا پس از عمر، در دوره خلافت عثمان، به کارگیری خشونت برای مطیع کردن مردم و قتل و غارت و کسب غنیمت نمود بیشتری یافت. در واقع هدف‌های مادی جایگزین هدف‌های معنوی شد. قدرت‌های خارجی مهاجم هم عرض مسلمانان پا به میدان کشاکش نهادند. گردش قدرت تنها در دست امویان صورت می‌گرفت. امپراتوری روم و خزران علیه مسلمانان باهم متحد شدند و در برابر پیشرفت مسلمانان سد محکمی تشکیل دادند و چون امویان نمایندگان راستین اسلام نبودند، بنابراین نتوانستند فرهنگ‌سازی کنند. مردم بومی نیز در برابر آن‌ها مقاومت می‌کردند. به همین علت جریان پذیرش اسلام از سوی مردم اران قرن‌ها به درازا کشید.

### منابع و مآخذ

- ابن اثیر (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن اعثم کوفی (۱۳۸۶)، *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱ بلاذری، همان، ص ۲۰۴.

۲ همان، ص ۲۰۳.

- ابن حوقل (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ---- (۱۹۳۸-۱۹۳۹م)، *صورة الارض*، ج۲، لیدن.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، *تاریخ*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۹)، *طبقات*، ترجمه کتر محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن عساکر (۱۴۱۵-۱۴۲۱ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، چاپ علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن فضلان (۱۳۴۵)، *سفرنامه*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد (۱۳۴۹)، *مختصر البلدان*، ترجمه ح - مسعودی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن کثیر، عماد الدین ابی الفدا (۱۴۲۸ق)، *البدایه و النهایه*، تحقیق سید ابراهیم الحویطی، بیروت: دارالیقین.
- ابن کلیبی (۱۴۰۷ق)، *جمهره النسب*، چاپ ناجی حسن، بیروت.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷)، *مسالك و ممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ---- (۱۹۳۷م)، لیدن.
- بار تولد، ولادیمیر (۱۳۵۸)، *گزیده مقالات تحقیقی*، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات امیر کبیر.
- ---- (۱۳۷۵)، *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه لیلار بن شه، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باکیخانوف، عباسقلی آقا (۱۳۸۳)، *گلستان ارم*، تهران: انتشارات ققنوس.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۸ق)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ---- (۱۳۶۷)، *فتوح البلدان*، مقدمه و ترجمه از احمد توکل، تهران: انتشارات نقره.
- حسین اف، وصال (بهار ۱۳۸۴)، «فتح اسلامی در اران»، *سخن تاریخ*، ش ۴.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی (۱۳۸۰)، *حیب السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خیام.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (۱۹۸۷م)، *تاریخ الاسلام*، بیروت - لبنان: دارالکتب العربیه.
- راهور لیقوان، علیرضا (۱۳۷۶)، *تاریخ قره باغ*، تهران: وزارت امور خارجه.
- رضا، عنایت الله (۱۳۷۷)، «اران»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف اسلام.
- ---- (۱۳۸۰)، *اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ---- (۱۳۸۷)، «تقلیس»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف اسلام.
- ---- (۱۳۷۲)، *آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز)*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- طاهری، سیدرضا (۱۳۸۷)، «حیب بن مسلمه»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۸)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.

- (۱۴۱۸ هـ.ق)، *تاریخ الطبری*، تحقیق و تعلیق الاستاذ عبدالله علی مهنا، بیروت- لبنان: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- فرای، ریچارد (گردآورنده) (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- گای، لیسترنج (۱۳۸۶)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات حدیث.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۷ و ۱۳۷۰)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی فرهنگی.
- (۱۸۹۳ م)، *التنسیه والاشراف*، تحقیق دخویه، لیدن.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۳)، *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: انتشارات سروش.
- میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۱۳۷۵)، *روضه الصفا، تهذیب و تلخیص عباس زریاب*، تهران: انتشارات علمی.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۵)، *پژوهش‌هایی در تاریخ قفقاز و دربند*، ترجمه محسن خادم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصیرین مزاحم (۱۴۰۴)، *وقعة صفین*، چاپ عبدالسلام محمد بن هارون، قاهره: چاپ افست قم.
- یعقوبی، احمد بن واضح (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- Artamonov, M.I.(1962), *Istoriia Khazar*, Leningrad, p. 202.
- Bartold V.V.(1966), *Musulmanskii mir, Sochineniia*, Tom VI, Moscow, p.233- 234.
- Buniatov,Z.(1966), *Azerbaijan*, v VII-IX v v. Baku
- Zhuze P.K.(1927), *Azerbaijan Pod Vlast Arabov*, VII-IX v v.,NAII AN Azerb, SSR,No 763.